

نگاهی تازه به ربا

مقدمه:

آرامش و نظم، ارزشمند است اما رسیدن به این ارزش یعنی آرامش و زدودن هرج و مرج تنها با اعمال قانون ممکن خواهد بود؛ اعمال قانون فرع بر وجود قانون است؛ قانون از حیث منشأ، بر دو قسم است:

۱. الهی؛

۲. بشری.

سه امتیاز ویژه قانون الهی عبارت است از:

۱. از مصدری صادر شده است که احاطه کامل بر تمام جوانب خلقت را داراست؛

۲. از ناحیه وجودی صادر می گردد که به شدت و به حقیقت کلمه، خیرخواه تمام موجودات است؛

۳. از منبعی صادر می شود که ابداً منفعت شخصی ندارد.

بر عکس قوانین بشری که:

۱. احاطه کامل بر همه جوانب خلقت را ندارد بلکه با همه تجربیاتی که بشر تاکنون کسب کرده است هنوز به شدت سطحی نگر است؛

۲. بر خلاف قانون خداوند، انسان بیش از آنکه خیرخواه دیگران باشد پیگیر منافع شخصی خویش می باشد.

بر اساس آنچه گفته شد اگر قرار بر آن شد که انسان برای زندگی بدون هرج و مرج و آرام در این دنیا، باید تابع قانون باشد با عنایت به آنچه بیان شد متوجه می شویم آن قانون، باید الهی و وحیانی باشد تا انطباق بیشتری با حقیقت داشته باشد و بتواند اعتماد ما را به خود جلب نماید.

تبلور قانون خدا را در دو جا می توان جستجو کرد:

۱. قرآن؛

۲. قول و فعل و تقریر آل الله علیهم السلام به عنوان مبین و مفسر قرآن مجید.

حرمت فقهی ربا در همه ادیان توحیدی!

یکی از این قوانین الهی برای سعادت بشر و مخلوقات که از آن به «فقه^۱» تعبیر می گردد بحث «حرمت ربا» می باشد.

بشر به اصطلاح متمدن امروز با همه توفیقاتی که در علوم مختلف کسب نموده است اما هنوز نتوانسته دیدگاه روشن و قانون ثابتی را پیرامون نزول و ربا ارائه نماید اما خدایی که خالق همه موجودات است از همان ابتداء نسبت به این مسئله موضع گیری آشکاری نموده و آن را با تفصیلش در همه ادیان مختلف بیان نموده است.

خداوند در آیه ۱۶۱ سوره نساء وقتی سخن از پیروان ادیان قبل را به میان می آورد می فرماید:

^۱ فقه یعنی قانون و الگوی خداوند برای سعادت بشر.

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ؛ برخی از یهودیان، کسب (معامله و قرض) ربوی می‌کردند در حالی که خداوند آن‌ها را، از کسب نمودن از راه گرفتن ربا نهی کرده بود.

این آیه به حرمت ربا در ادیان قبل از اسلام و مسیحیت یعنی یهود اشاره دارد ما با استناد به این آیه و برخی روایت دیگر نتیجه می‌گیریم که بحث حرمت ربا تنها اختصاص به دین اسلام نداشته بلکه قدر مشترک همه ادیان توحیدی است.

قَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِعْلَمْ يَرْحَمَكَ اللَّهُ أَنَّ الرِّبَا حَرَامٌ سَحَتْ مِنَ الْكِبَائِرِ وَمِمَّا قَدْ وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيَّ لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ وَ فِي كُلِّ كِتَابٍ^۲؛ حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند: بدان که (...) ربا را خداوند از زبان همه انبیاء علیهم السلام حرام اعلام نموده و در همه کتب آسمانی حرمت آن را بیان کرده است.

رباخوار، هم شأن کافر است!

با بررسی ۴ آیه از قرآن کریم به سادگی می‌توان دریافت که نگاه خداوند به انسان رباخوار، نگاه و قضاوتی است که به انسان کافر دارد یعنی شأن و رتبه و منزلت انسان مبتلاء به ربا، همان شأن و منزلت انسان کافر است. به این چهار آیه دقت کنید:

۱. و أَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ و (...) و أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^۳.
۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا (...) اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ^۴.
۳. يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ^۵.
۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۶.

در این چهار آیه خداوند پس از بیان حرمت ربا و لزوم اجتناب از آن، ربا دهنده را از عذابی که برای کفار مهیا ساخته است می‌ترساند مانند پدری که پس از اینکه پسرش را از استفاده بی‌مورد از اینترنت منع می‌کند خطاب به فرزندش بگوید: من از بچه معتاد بیزارم، ما با این بیان متوجه می‌شویم که در دیدگاه این پدر، کسی که بیش از حد با اینترنت، مأنوس باشد معتاد است لذا با یک محاسبه سرانگشتی متوجه خواهیم شد از منظر الهی بحث ربا و کفر در یک جایگاه قرار دارند و کسانی را که مبتلاء به ربا، باشند نمی‌توان مؤمن نامید زیرا مؤمن، به کسی گفته می‌شود که در مقام اعتقاد به قوانین الهی ایمان داشته و در مقابل نواهی الهی سر تسلیم فرود آورد اما کسی که پس از این همه نهی شدیدالحن خداوند از ربا که هرگز نسبت به احدی از کبائر چنین تعبیری را به کار نبرده است، باز هم خود را مبتلاء به آن می‌کند قطعاً نمی‌توان مؤمن نامید.

ربا و نزول در لغت:

۲ فقه‌الرضا علیه السلام، صفحه ۲۵۶.

۳ آیه ۱۶۱ سوره نساء.

۴ آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران.

۵ آیه ۲۷۶ سوره بقره.

۶ آیه ۲۷۸ سوره بقره.

ربا در لغت از رِبَوٍ گرفته شده است که به معنای زیادت و رشد و نمو و همچنین بالا آمدن می‌باشد بر همین اساس رِبَوَه در زبان عربی به معنای تپه یا باغیست که در جای بلندتری نسبت به سطح زمین قرار گرفته باشد. نکته قابل توجه اینکه ربا و رب چون با یکدیگر اشتقاق اکبر داشته و دو حرف مشترک دارند دارای معنایی بسیار نزدیک به هم هستند «رب» از ریشه رَبَبَ اخذ شده و به معنای تربیت کردن می‌باشد و می‌دانیم که کار مُربی رشد و نمو و بالا کشیدن مُتربّی است؛ خداوند در آیه ۲۴ سوره اَسْرَاء می‌فرماید:

قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ خداوند می‌فرماید بگو: ای پروردگار! بر پدر و مادرم رحم کن همچنانکه آن‌ها نیز با محبت مرا در کوچکی بزرگ کردند و رشد دادند.

ملاحظه کردید که ربّ دوم (ربّیانی) در این آیه به معنای رشد دادن می‌باشد.

با توجه به معنای لغوی ربا، شاید کسی گمان کند که اگر پول ربوی بدهد سرمایه او رشد می‌کند و بر عکس اگر صدقه دهد پولش تمام می‌شود اما جالب اینکه خداوند در آیه ۲۷۶ بقره می‌فرماید:

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ؛ خداوند در این آیه می‌فرماید: بر خلاف تصوّر شما، آنچه مایه رشد در مال و داراییست صدقه است نه ربا، و خداوند ربا را محق کرده است.

معنای محق در لغت:

مَحَق در لغت به معنای نابودی و نقصان تدریجیست بر همین اساس عرب به ماه قمری بعد از شب چهاردهم که قرص ماه کامل می‌شود محاق می‌گویند زیرا از شب چهاردهم، ماه رفته رفته رو به زوال و نابودی حرکت می‌کند تا آنجا که کلاً ناپدید می‌گردد.

آری مَثَلِ صدقه، مَثَلِ ماه، از شب اول تا شب چهاردهم در آسمان است که روز به روز رشد می‌کند تا به کمال برسد و مَثَلِ ربا، ماه از شب چهاردهم به بعد است که لحظه به لحظه در حال نابودی و زوال است.

برخی با این بهانه که چاره‌ای جز گرفتن نزول نداشتیم گرفتار نزول می‌شوند اما باید بدانیم که تباهی نزول از اسمش نیز پیداست نزول یعنی سقوط!! برخی دیگر گمان کرده‌اند با پول نزول می‌توان صعود کرد و حال آنکه اگر چنین بود اسمش را نزول نمی‌گذاشتند صعود می‌گذاشتند.

رد قرآنی توجیه رباخواران!

گاهی هم افرادی که نزول می‌دهند برای دلخوشی و توجیه عملشان می‌گویند: کار ما باعث گره‌گشایی از گرفتاری‌های مردم است ما ربا می‌دهیم تا مردم رشد کنند و گره از کارشان باز شود اما خداوند در آیه ۳۹ سوره مبارکه روم می‌فرماید:

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبَوْا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ؛ آنچه بعنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را بعنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند.

سَأَلَ رَجُلٌ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: "يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ" وَ قَدْ أَرَى مَنْ يَأْكُلُ الرِّبَا يَرْبُو مَالَهُ! فَقَالَ: فَأَيُّ مَحَقٍ أَمْحَقُ مِنْ دَرِهِمْ رَبًّا يَمْحَقُ الدِّينَ فَإِنْ تَابَ مِنْهُ ذَهَبَ مَالُهُ وَ افْتَقَرَ^٧؛ شخصی از حضرت صادق پیرامون آیه ۲۷۶ سوره بقره سؤال کرد که خداوند در این آیه می فرماید: "مال ربوی را نابود می کنم و صدقات و قرض الحسنه را رشد می دهد" در حالی که گاهی اشخاص رباخواری را می بینیم که مالشان رشد می کند!؟ حضرت صادق علیه السلام فرمودند: خداوند در این آیه فرموده است: "ربا، نابود کننده است" و چه نابود کننده ای بالاتر از آن یک درهم ربوی که اگر صاحبش از رباخواری، توبه نکند تمام دینش را نابود می سازد و اگر چنانچه توبه کند باید سودهای حاصله از رباخواری را به صاحبانشان برگرداند و فقیر می شود.

نکته ای که در پی این روایت شریف لازم است تذکر داده شود اینکه با توجه به معنایی که برای «محق» بیان کردیم که به معنای نابودی تدریجی بود لذا چون ذره ذره رو به نابودی می رود نه خودش و نه دیگرانی که شاهد نزول خواری او هستند متوجه آن نمی شوند اما بعد از یک عمر، وقتی محاسبه می کنی متوجه می شوی نزول خوار به هیچ جا که نرسیده است هیچ، سرمایه خود را نیز از دست داده است! نهایتاً مقداری پول بلوکه، فراهم کرده است که هیچ وقت نتوانسته است ذره ای از آن ها بهره مند گردد.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در همین باره می فرمایند:

الرِّبَا وَإِنْ كَثُرَ فَإِنَّ عَاقِبَتَهُ تَصِيرُ إِلَى قَلٍّ^٨؛ ربا اگر چه بسیار باشد اما سرانجام آن به کمی خواهد بود.

می گویند: شخصی از یخ فروشی سؤال کرد: یخ هایت را چه کردی؟ جواب داد: نفروختم اما تمام شد!!؛ دقیقاً مثل نزول خوار، که قطره قطره، سرمایه ایمان و انسانیت و حتی دارایی مادی خود را از دست می دهد اما متوجه نمی شود و وقتی می فهمد که دیگر هیچ فایده ای ندارد.

حالت باطنی و حقیقت ربا..!

هر کدام از افراد رباخوار یا ربا دهنده یا حتی کسی که واسطه این عمل زشت شده است یا حتی پول ربوی دارای حقیقتی می باشد که در برخی از آیات و روایات به آن اشاره شده است یا اینکه برخی از عرفا که به خاطر صفای دلشان، حجاب از چشمشان برداشته شده است توانسته اند باطن آن را مشاهده نمایند، مثلاً در مورد مال ربوی یعنی اصل پولی که به صورت ربوی قرض گرفته می شود در کتاب «در محضر لاهوتیان» آمده است:

استاد مجاهدی معروف به پروانه نقل کردند: به خاطر دارم که در معیت آقای مجتهدی رحمه الله علیه، ناهار را میهمان یکی از دوستان بودیم؛ صاحب خانه بر خلاف قولی که داده بود سفره نسبتاً رنگینی را تدارک دیده و سرگرم کشیدن غذا بود، جناب مجتهدی که در کنار سفره نشسته بودند غذا صرف نمی کردند ولی چشم از سفره، هم بر نمی داشتند! اصرار صاحب خانه به ایشان برای طرف غذا سودی نداشت و می فرمودند: شما راحت باشید! من چندان میلی به غذا ندارم! دوستان می دانستند که باید به ایشان اصرار نکنند و راحتشان بگذارند، تمامی دوستان به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بودند که: چرا ایشان گرسنه از سر سفره برخاستند و حتی لقمه ای از غذا تناول نکردند؟! فردای آن روز به خدمت شان شرفیاب شدم تنی چند از دوستان نیز حضور داشتند مرحوم مصطفوی از ایشان پرسید: دیروز ظهر، چرا غذا میل نفرمودید؟! گفتند: آقا جان! من در آن سفره غیر از خون نمی دیدم! این غذا از پول نزول تهیه شده بود و خوردن نداشت!

^٧ من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، صفحه ۲۷۹.

^٨ نهج الفصاحه، حدیث ۱۶۸۴.

ساعتی گذشت و مردی که دیروز مهمانش بودیم، آمد، هنگامی که آقای مجتهدی برای تجدید وضو از اتاق بیرون رفتند، آقای مصطفوی از آن مرد پرسید: غذای دیروز را از چه پولی تهیه کرده بودید؟! گفت: من به آقا قول داده بودم که برای نهار، غذای ساده‌ای تهیه کنم ولی همسرم اجازه نداد و گفت: که ما باید به بهترین وجه از این مرد خدا پذیرایی کنیم! من هم ناگزیر شدم که از همسایه خود حاجی فلان مقداری پول قرض کنم! آقای مصطفوی که همسایه آن مرد را خوب می‌شناخت،

حالا معلوم شد که چرا آقای مجتهدی دیروز غذا نخوردند، همسایه این مرد در بازار قم به دادن نزول و گرفتن بهره پول مشهور است و چون غذای دیروز از پول ربا تهیه شده بود، جعفر آقا تمایلی به خوردن آن نشان ندادند و امروز هم فرمودند: در آن سفره غیر از خون نمی‌دیدم!

اما در مورد حقیقت باطنی شخص رباخوار، خداوند در آیه ۲۷۵ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: **الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ** (...کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی به پا می‌خیزد).

«خبط» در لغت عرب به معنای افتادن و برخاستن و عدم تعادل به هنگام حرکت است که در اثر چوب خوردن و کتک خوردن، بر انسان عارض شود.^۹ همچنین «مس» به معنای شدت تماس و چسبندگی می‌باشد واژه تماس با این کلمه در ریشه مشترکند.

در واقع خداوند در این آیه می‌فرماید: در سرای آخرت که سرای حقیقت اعمال است رباخوار، موقع خروج از قبر و ورود به صحرای محشر بر اثر تماس شدیدی که در دنیا با شیطان داشته است تعادل نداشته و نمی‌تواند قدم از قدم برداشته و دائم بر زمین می‌خورد؛ این مجازات، به خاطر آن است که او در دنیا با رباخواری، تعادل جامعه را بر هم زده است و یکی از ارکان مهم جامعه اسلامی را که همان اقتصاد است را متشنج کرده است که تبعات بر هم ریختگی اقتصادی، شکل‌گیری طبقات اجتماعی و شیوع فقر فرهنگی و مفاسد اجتماعیست در واقع او با این عمل خود، به تمام معنا، تمام هستی جامعه اسلامی را به هم ریخته است لذا در سرای آخرت تعادل نداشته و دائم بر زمین می‌خورد.

از نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در مورد باطن رباخوار نقل شده است:

أَتَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلَى قَوْمٍ بَطُونُهُمْ كَالْبُيُوتِ فِيهَا الْحَيَاتُ تُرَى مِنْ خَارِجِ بَطُونِهِمْ فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَيْلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ أَكَلَةُ الرِّبَا!^{۱۰} چون مرا شبانه به آسمان بردند، مردانی را دیدم که شکم‌هایی مانند خانه داشتند و در آن‌ها مارهایی بود که از بیرون شکم‌هاشان دیده می‌شد، گفتم: ای جبرئیل! این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: اینان رباخوارانند.

اعلام جنگ با خدا!

خداوند در آیه ۲۷۹ سوره بقره برای رباخوار تعبیری بیان می‌کند که نمونه آن را برای احدی از گناهان دیگر مثل زنا و سرقت و دروغ و غیبت و تهمت و امثال آن بیان نفرموده است؛ خداوند می‌فرماید:

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ^{۱۱}؛ پس اگر چنین نکردید (رباخواری را ترک نکردید)، (بدانید که) اعلان جنگ با خدا و رسولش داده‌اید.

^۹ تفسیر نور (۱۰ جلدی)، جلد ۱، صفحه ۴۳۶.

^{۱۰} الحیة با ترجمه احمد آرام، جلد ۵، صفحه ۶۱۷.

به نظر شما در کارزار با خداوند قهار و رسولش صلی الله علیه و آله، چه کسی پیروز میدان است اصلاً چه کسی را یارای کارزار است؟

بر همین اساس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه‌ای بالای منبر در باره ربا و خطرهای بزرگ آن سخن له الحرام^{۱۲}؛ نزد خدای متعال یک درهم ربا از ۷۰ بار زنا با خواهر و مادر آن هم در بیت الله الحرام زننده تر و پست تر است.

چوب خدا یا چوب شیطان؟

خداوند برای هر گناهی مجازاتی در نظر گرفته است که خطاکار را با آن چوب می زند چوب خداوند مایه رشد و پاک شدن است اما خداوند می فرماید: رباخوار را شیطان چوب می زند یعنی به قدری نزد خداوند بی ارزش است که حتی وقتی قرار است برای خطایش چوب بخورد لیاقت ندارد از خدا چوب بخورد بلکه شیطان چوبش می زند برخلاف چوب خدا که سبب رشد بود چوب شیطان بیشتر مایه سقوط و نزول و تباهی و جنون و دیوانگیست.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: آکل الربا لا یرج من الدنیا حتی یتخبطه الشیطان^{۱۳}؛ خورنده ربا از دنیا نمی رود مگر آنکه شیطان به او چوب می زند.

مجازات و کیفر دنیایی رباخوار:

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله هم او که مظهر مهربانی خداست می فرماید: مَنْ أَخَذَ الرَّبَّ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ^{۱۴}؛ هر کس ربا گرفت، کشتن او واجب است.

ابن بکیر نقل می کند که روزی به امام صادق علیه السلام خبر رسید که مردی ربا می خورد و آن را «لبا» (= آغوز، اولین شیر گوسفند پس از زایمان) می نامد کنایه از اینکه آن را طاهر و مطهر می داند حضرت صادق علیه السلام فرمودند: اگر خداوند به من قدرت می داد گردن او را می زدم^{۱۵}.

ابو بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حکم رباخوار پس از ثابت شدن چیست؟ فرمودند: باید او را تأدیب کرد، و اگر دوباره مرتکب شد باز باید تأدیب شود؛ و اگر برای بار سوم ربا خورد باید کشته شود^{۱۶}.

* شیخ طوسی (شیخ الطائفه) رحمت الله علیه در تفسیر آیه: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...» می فرماید: ابن عباس و قتاده و ربیع گفته اند: هر کس رباخواری کند، امام باید از او بخواهد که توبه کند، و اگر توبه نکرد او را بکشد.

^{۱۱} آیه ۲۷۹ سوره بقره.

^{۱۲} ارشاد القلوب-ترجمه سلگی، جلد ۱، صفحه ۳۰۴.

^{۱۳} تفسیر نور الثقلین ۱/ ۲۹۱.

^{۱۴} تفسیر قمی « ۱/ ۹۳.

^{۱۵} بلغ أبا عبد الله عليه السلام عن رجل، أنه كان يأكل الربا، وسميه اللبا؛ فقال: لئن أمكنني الله منه لأضربن عنقه. (وسائل الشيعه، ۴۲۹/۱۲)

^{۱۶} عن أبي بصير قال: قلت: أكل الربا بعد البيئته؟ قال: يؤدب، فإن عاد أدب، فإن عاد قتل. (وسائل) « ۱۸ / ۵۸۰

بلخی گفته است: اگر اهل روستایی همگی اقدام به معاملات ربوی کنند، بر امام است که با آنان به جنگ برخیزد.^{۱۷}

شیخ طوسی در تفسیر التبیان در جمع بندی نظرات مختلف پیرامون مجزات دنیایی رباخوار می فرماید: امام سه بار او را چنان مجازاتی می کند که از کار خود دست بردارد، و اگر برای بار چهارم ربا خورد او را می کشد.^{۱۸}

ربا گناهی دامن گیر!

آتش ربا چنان عظیم و گسترده است که نه تنها دامان رباخوار و گیرنده ربا را می گیرد بلکه دودش در چشم همه کسانی که به نحوی در شکل گیری این گناه دخیل بوده اند می رود؛ از امیرالمومنین علی علیه السلام منقول است که: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَعَنَ أَكْلَ الرَّبَا وَ مُوَكَّلَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيهِ**^{۱۹}؛ خداوند متعال، ربا دهنده، رباگیرنده، نویسنده و شاهد در معامله یا قرض ربوی را لعنت کرده است.

در حدیث فوق الذکر، لفظ شاهد فقط شامل شاهد اصطلاحی در ضمن عقد ربوی نمی شود بلکه در بردارنده همه کسانی هم که به هر شکل ممکن از معامله یا قرض ربوی مطلع می شوند و شاهد رباخواری در جامعه باشند اما ترک نهی از منکر کرده و سکوت نمایند نیز می شود.

بر همین اساس نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می فرمایند: **إِذَا ظَهَرَ الزُّنَا وَ الرَّبَا فِي قَرْيَةٍ فَقَدْ أَحَلُّوا بِأَنْفُسِهِمْ عَذَابَ اللَّهِ**^{۲۰}؛ هرگاه گناه زشت زنا و ربا در دیاری آشکار شود به تحقیق خودشان با دستان خودشان مقدمات نزول عذاب الهی را بر خودشان فراهم نموده اند.

در این حدیث شریف به عذاب شدن عده ای در یک شهری فقط به بهانه ترک نهی از رباخواری اشاره شده است یعنی دود آتش رباخواری حتی تا آنجا سرایت می کند اطلاع از رباخواری دیگران و سکوت در مقابل آن، انسان را در معرض لعن پروردگار و مستحق عذاب الهی می سازد.

سیدعطاء الله مجدی این حدیث را اینگونه به نظم کشیده است:^{۲۱}

شود آشکار و خوردنی ربای
براه هلاکت کنندی شتاب

چو در قریه‌ای رسم زشت زنا
خَرَنَد از خداوند یکتا عذاب

مجازات و کیفر آخروی رباخوار:

از رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله منقول است: **مَنْ أَكَلَ الرَّبَا أُمَّلًا اللَّهُ بَطَنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ وَ إِنْ اِكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُ قِيرَاطٌ وَاحِدٌ**^{۲۲}؛ هر

^{۱۷} الحیة با ترجمه احمد آرام، جلد ۵، صفحه: ۶۱۳.

^{۱۸} تفسیر تبیان، ۲ / ۳۶۷.

^{۱۹} أمالی الصدوق، ص: ۴۲۵.

^{۲۰} کتاب نهج الفصاحة، حدیث ۱۱۸.

^{۲۱} گل‌های جاویدان (هزار کلمه قصار)، صفح ۷۲.

^{۲۲} ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، صفحه ۲۸۵.

کس رباخواری کند یا پول ربوی بگیرد خداوند شکمش را به همان مقدار، از آتش جهنم، پُر می کند و اگر ربا دهنده باشد تا زمانی که قیراطی (ذره ای) از سود ربوی در نزدش باقی باشد خداوند هیچ عمل صالحی را از او نمی پذیرد و دائماً در لعنت خدا و ملائکه خداوند می باشد.

سعدی علیه الرحمه در کتاب بوستان خود، داستان مرد نزول خواری را بیان می کند که بلافاصله بعد از مُردن، بدون اینکه نکیر و منکری را دیده باشد وارد جهنم شده است:

شندیم هم اندر زمان جان	ربا خواری از نردبانی فتاد
بداد	
که چون رستی از حشر و نشر	به خواب اندرش دید و پرسید حال
سوال	
به دوزخ در افتادم از نردبان	بگفت ای پسر قصه بر من مخوان

الفقه ثم المتجر!

با توجه به آنچه از زشتی و قُبْح ربا بیان شد و اینکه ابتلاء به ربا به دو شکل متصور است: گاهی آگاهانه و گاهی ندانسته و از روی جهل به مسئله ناخواسته به آن مبتلا می شویم لازم است طبق سفارش امیرالمومنین علیه السلام قبل از ورود به تجارت و کسب، خود را به قوانین و فتاویای مربوطه به آن مجهز نماییم تا ناخواسته در دام آن نیفتیم.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعَاشِرَ النَّاسِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الرَّبَّاءَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا أَحْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا^{۲۳}؛ یا مردمان! اول خود را به احکام فقهی تجارت مجهز کنید سپس به سمت تجارت بروید و این جمله را دو بار تکرار کردند سپس فرمودند: به خدا قسم تشخیص ربا در این دنیا از تشخیص دادن مورچه سیاهی که بر سنگ صاف و سیاهی راه می رود سخت تر است.

فقهاء نیز در مسئله شماره ۱۱ رساله های عملیه می فرمایند: آموختن مسائلی که مورد نیاز انسان است واجب است انسان آن ها را بیاموزد.

ربای مُجاز!

قال الرضا عليه السلام: لَيْسَ بَيْنَ الْوَالِدِ وَوَلَدِهِ رِبَاً وَلاَ بَيْنَ الزَّوْجِ وَ الْمَرْأَةِ رِبَاً^{۲۴}؛ امام رضا علیه السلام می فرمایند: میان پدر و فرزند و شوهر و همسرش ربا اشکالی ندارد.

والسلام عليكم

مسعود رضائزاد فهادان/ ۱۷ آذر ۱۳۹۱

^{۲۳} روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، جلد ۲، صفحه ۴۶۵.

^{۲۴} فقه الرضا عليه السلام، صفحه ۲۵۸.